

روزنامه

اخبار حادثه

خفاشان شب‌های بارانی زنان ودختران مسافرا به دام می‌انداختند

شرق : اعضای یک باند مخوف در مشهد شب‌های بارانی را برای شکار زنان و دختران جوان انتخاب می‌کنند. این خفاشان شهری سوار بر اتومبیل‌هایی در گروه سه یا چهارنفری در مسیری‌های مختلف زنان و دخترانی که منتظر تاکسی بودند را سوار می‌کنند و پس از بستن چشم‌هایشان آنان را به پیاپیان‌ها یا انبارهای متروک و باغ‌های اطراف چناران می‌کشانند. اعضای این باند پس از آزار و اذیت زیورآلات، پول‌ها و اشیای قیمتی ربوده‌شدگان را به زور می‌گرفتند و رهایشان می‌کردند. فرمانده انتظامی مشهد گفت : تاکنون یازده تن از این تبهکاران دستگیر شده‌اند. به گفته سرهنگ بیگی تاکنون یازده نفر از زنانی که توسط اعضای باند تبهکاران مورد سرق‌ت یا تعرض قرار گرفته‌اند برای طرح شکایت به پلیس مراجعه کرده‌اند و احتمال دارد افراد دیگری هم باشند که به‌دام این باند افتاده‌اند. فرمانده نیروی انتظامی مشهد درباره شیوه تبهکاری این افراد گفت : اعضای باند در مسیرهای صدمتری خواجه ربیع، طلاب، میدان قائم و نقاط دیگر به ویژه در شب‌های بارانی و هوای نامساعد جوی اقدام به سوار کردن زنان و دختران می‌کنند. رئیس پلیس مشهد از مردم به ویژه زنان و دختران خواست تا سوار شدن بر اتومبیل‌های شخصی مشکوک به خصوص در مسیرهای خارج از شهر و حاشیه‌ها خودداری کنند.

جزای برقراری ارتباط با یک دختر پسر ۱۷ ساله

باید معدل ۱۶ بگیرد تا پس‌داز بخشیده شود

شرق : قاضی دادگاه اطفال، از یکسر ۱۷ساله‌ای که به اتهام برقراری ارتباط با دختری محاکمه می‌شد، تعهد گرفت در امتحانات مدرسه‌اش معدل ۱۶ کسب کند و از امروز تا دو سال هیچ خفای انجام ندهد. مادر این پسر نوجوان در دفاع از فرزندش به قاضی شعبه ۱۸۸ دادگاه اطفال گفت : «ماجرایه شب چهارشنبه‌سوری مربوط می‌شود. آن شب برای اینکه بچه‌ها بیرون نروند و ترقه‌بازی نکنند، در خانه جشنی ترتیب داده بودیم که تا ساعت چهار و سی دقیقه صبح طول کشید. دختر میهمانی که فرزند یکی از دوستان من است برای رفتن به منزل‌شان می‌خواست با آژانس برود و چون پیش ما امانت بود، پسر ما همراهش فرستادم که در آنجا دستگیرش کردند.»
قاضی جعفری رئیس دادگاه در این باره گفته است : «حتی دست زدن به نامحرم حرام است و از نظر قانونی هم اشکال دارد، همچنان که کبریت و بنزین در کنار هم مشتعل می‌شود، اگر دختر و پسر خارج از قاعده به هم نزدیک شوند، دیگر نمی‌توان آنها را کنترل کرد.»
به گزارش ایسنا، قاضی جعفری در پایان محاکمه پسر نوجوان گفت : «در صورت دادن تعهد در مورد کسب معدل بالا و اینکه از امروز تا دو سال حق نداری هیچ خلافی انجام بدهی بخشیده می‌شوی.»
با تأکید قاضی، این پسر هم تعهد سپرد که معدل کل اش کمتر از ۱۶ نشود.

سیل فروکنی کرد

ایرنا: وضعیت در مناطق سیل‌زده بخش انگوت شهرستان گرمی با اسکان خانواده‌های آسیب‌دیده در قشلاقات به حالت عادی بازگشته است.
اکبر صدقی فرماندار گرمی گفت : از همان ساعات اولیه وقوع حادثه سیل در روز سه‌شنبه نیروهای امدادگر به مناطق آسیب‌دیده شتافتند و با توزیع یکصد دستگاه چادر صحرایی آسیب‌دیده اسکان داده شدند.
وی افزود : همچنین تعدادی پتو، وسایل گرمایز، موکت و مقداری مواد غذایی و پوشاک توسط جمعیت هلال‌احمر در بین خانواده‌های آسیب‌دیده توزیع شد.
صدمی اظهار داشت : هم اکنون راه‌های روستایی مسدود شده در اثر سیل بازگشایی شده و برق و تلفن روستاهای آسیب‌دیده برقرار شده است و کار امدادرسانی ادامه دارد.
وی گفت : با تلاش نیروهای امدادگر جسد و نفر از اهالی منطقه که در جریان سیل مفقود شده‌بوند پیدا شده و تاکنون هشت‌هزار لاشه احشام جمع‌آوری شده است.
به گفته صدمی، در اثر این سیل که دو روز قبل رخ داد خسارات زیادی به تاسیسات، مزارع کشاورزی و اسکان مسکونی و دامی ۲۵ روستای منطقه به ویژه روستاهای محمدبیلگلو، زیوه، ششلاق عبا و بران وارد شده و بیش از ۹ هزار واحد دامی تلف شده است.
وی افزود : خسارات وارده از این حادثه به مناطق شهری و روستایی گرمی ۱۵۰ میلیارد ریال برآورد شده که ۵۰ میلیارد ریال آن مربوط به هشت‌هزار هکتار مزارع کشاورزی، ۵۵ میلیارد ریال مربوط به ۷۰۰ واحد مسکونی و دامی، ۲۰ میلیارد ریال خسارت احشام و ۲۵ میلیارد ریال نیز خسارت مربوط به تاسیسات است.
گفتنی است روز سه‌شنبه خبرگزاری ایرنا خبری مخابره کرد که در آن آمده بود این سیل موجب مرگ ۱۴ نفر از ميهوطنانمان شده است.
همچنین سیل در منطقه کلیدر آذربایجان شرقی ۴ کشته بر جای گذاشت.

متهم به قتل مرد پنج‌زنه محاکمه می‌شود

شرق : مردی که برادرش را به خاطر دایر کردن خانه فساد با شلیک دو گلوله به قتل رسانده بود، صبح روز شنبه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران به پای می‌محاکمه می‌رود. این حادثه ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۰ مهرماه ۸۴ در منطقه نازی‌آباد از جنوب تهران اتفاق افتاد و ماموران کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد پس از حضور در صحنه جنایت متوجه شدند متهم به قتل حسین نام دارد که با شلیک گلوله برادرش را کشته و فرار کرده‌است. کارآگاهان ضمن بازرسی، دفترچه خاطرات متهم فراری را به دست آوردند که در آن نوشته بود قصد دارد برادرش را بکشد. ماموران پس از چند روز جست‌وجو این مرد فراری را دستگیر کردند و او در بازجویی با اعتراف به قتل گفت : «برادم پنج‌زن را به عنوان همسرانش در خانه‌ای جمع کرده بود و عشق‌رنک‌های ترتیب داده بود. این برادر نااهل برای اینکه ظاهرسازی کرده باشد هر پنج زن را به عقد خود درآورده بود و من آبروی‌مان را در خطر می‌دیدم. از او خواسته بودم که دست از این کار بردارد ولی او زیر بار نمی‌رفت.»

پلیس در جست‌وجوی عاملان پخش قرص‌های مرگبار

شرق، بهنام پاکزاد : در پی مرگ چهار دختر دانش‌آموز در تهران که با مصرف قرص‌های برنج به جای اکستازی به کام مرگ رفته‌اند، مقامات قضایی و پلیس به خانواده‌ها، مسئولان مدارس دخترانه و پسرانه به ویژه جوانان هشدار جدی دادند.
موید علویان معاون سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز با اشاره به مرگ و میر‌ها و مسمومیت‌های شدید ناشی از مصرف قرص‌های برنج اعلام کرد : مصرف اینگونه قرص‌های مرگبار که به جای قرص‌های اکستازی پخش می‌شود این روز‌ها افزایش یافته و به مسمومیت تعداد زیادی از جوانان و مرگ و میر آنان منجر شده است.

دیروز معاون سلامت و وزارت بهداشت و درمان تعداد قربانیان این نوع مسمومیت را تاکنون سه نفر اعلام کرده که به گزارش خبرنگار ما چهارمین نفر نیز که از این نوع قرص‌ها مصرف کرده بود، جان سپرده است.

براساس این گزارش سه تن از قربانیان قرص‌های برنج دختران یکی از دبیرستان‌های منطقه نازی‌آباد هستند و چهارمین دختر به نام غزاله دانش‌آموز یکی از هنرستان‌ها در خیابان مفتح تهران است.
غزاله روز هفدهم اردیبهشت متوجه تهران آمد و در هنرستان دچار تشنج شد و پس از انتقال به بیمارستان جان سپرد.

سه دختری هم که با مصرف قرص برنج جان سپرده‌اند در یک دبیرستان واقع در منطقه نازی‌آباد تحصیل می‌کردند که به طور ناگهانی دچار تشنج شدند و به بیمارستان مسمومین انتقال یافتند و هر سه در حال بیهوشی جان باختند.
گفتنی است از چند روز پیش هم یکی از دانش‌آموزان همان مدرسه در نازی‌آباد ناپدید شده و با توجه به حوادث اخیر احتمال می‌رود او نیز در اثر مصرف قرص‌های برنج جان باخته باشد.
پلیس در این باره تحقیقات گسترده‌ای را آغاز کرده است.
صد دیروز بازپرس حسینی که به پرپونده

مزارح دختران دانشجو به جرم قتل در آستانه اعدام

شرق : حکم اعدام پسر جوانی که در جریان مزاحمت برای دو دختر دانشجو مرد میانسالی را به قتل رسانده بود برای اجرا به دادسرای جنایی تهران فرستاده شد.
ماجرای قتل اینگونه بود که در روز ۲۱ آذرماه سال ۸۳ مردی به نام شیرالله که با چند ضربه چاقو به شدت مجروح شده بود به بیمارستان البرز کرج منتقل شد و بعد از چند ساعت روی تخت بیمارستان جان داد.
ماموران کلانتری شاهین ویلای کرج پس از حضور در بیمارستان پی بردند قاتل جوان یاسر نام دارد که از صحنه جنایت فرار کرده است.
به دستور علی بصیرتیا بازپرس ویژه جنایی شعبه ۹۱ دادسرای کرج کارآگاهان جست‌وجوی را به‌ای یافتن این جوان آغاز کردند اما با گذشت شش ماه از وقوع جنایت هیچ ردپایی از وی به دست نیامد.
تا اینکه ظهر روز هفت خرداد سال گذشته مردی در ورامین در تماس با پلیس ۱۱۰ اعلام کرد که نوش‌ابه به نام یاسر فرد شروری است و برای او دردرس ایجاد می‌کند.
ماموران کلانتری شهید قدوسی ورامین پس از حضور

آخرین عامل گروگانگیری ۴۳روزه یک کودک دستگیر شد

شرق : آخرین عضو یک باند از گروگانگیران که پسرپچه ۸ساله‌ای را مدت ۴۳ شبانه‌روز در اسارت خود داشتند توسط کارآگاهان پلیس جنایی تهران دستگیر شد.

این عده با طرح نقشه‌ای، کودک ۸ ساله را در راه مدرسه‌اش، با یک موتورسیکلت ربوده و در مخفیگاهی زندانی‌اش کرده بودند تا از خانواده‌اش برای آزادی او باج کلانی بگیرند.
پسرپچه ربوده شده به نام امیرحسین مدت ۴۳ روز در چنگ ربایندگان اسیر بود تا اینکه با تلاش گسترده پلیس آگاهی نجات یافت.

به گفته سرهنگ خوثینی‌ها معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ عامل اصلی این آدم‌ربایی جوان ۱۹ساله‌ای به نام علیرضا ص. بود.
وی جوانی معتاد بود، که از ساکنان شهر است.

محاکمه دوباره قاضی دادگستری رودسر به خاطر شلیک مرگبار

شرق، الهه فراهانی : پرونده قاضی دادگستری رودسر که متهم است پسر جوانی را با شلیک گلوله از پای درآورده به تشخیص دیوان عالی کشور به دادگاه کیفری استان تهران بازگردانده شد تا بار دیگر محاکمه شود.
اولین محاکمه این قاضی ۳۶ساله، سال پیش در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران انجام شده بود. حادثه قتل روز چهاردهم فروردین‌ماه سال گذشته در تنکابن اتفاق افتاد که طی آن جوان ۲۵ساله‌ای با اصابت گلوله‌ای از سلاح کمری قاضی دادگستری شهرستان رودسر به قتل رسید.

این قاضی در مراحل بازجویی گفت : آن روز همراه خانواده‌ام با اتومبیل به قائم‌شهر می‌رفتم. در تنکابن وارد پمپ بنزین شدم و هنگام خروج از جایگاه سه پسر جوان با یک اتومبیل راه را بستند و به متلک گویی و مزاحمت به دختری پرداختند. از آنها خواستم راه را باز کنند اما بوی اعتنا به بوق زدن‌ها را نمی‌شنیدم. وقتی اعتراض‌های من ادامه پیدا کرد، پسر جوانی با عصبانیت پیاده شد و به طرفم هجوم آورد. من هم برای دفاع گاز اشک‌آور به صورتش پاشیدم و به سرعت پمپ بنزین را ترک کردم.
دقایقی بعد که پشت چراغ قرمز چهارراه توقف کرده بودم همان پسر مهاجم با اتومبیلش از راه رسید و با چاقویی در دست به طرف ما آمد، شیشه‌ها را بالا کشیدم و درهای اتومبیل را قفل کردم اما جوان مهاجم

پلیس در جست‌وجوی عاملان پخش قرص‌های مرگبار

مرگ سه دختر دانش‌آموز رسیدگی می‌کند، نیز به تحقیقات خود ادامه داد.
در جریان تحقیق روشن شد هر سه دختر دانش‌آموز مدرسه‌ای در نازی‌آباد قرص‌های مرگبار را به جای قرص اکستازی خریده‌اند.

خانواده هر سه دختر نیز دو دانش‌آموز را به پلیس معرفی کرده و گفته‌اند که این دو نفر قرص‌ها را به بچه‌ها فروخته‌اند.
مادر یکی از دختران فوت شده که زهرا نام داشت به بازپرس حسینی گفت : دخترم روز چهارشنبه پیش مرد. آن روز خودم زهرا را به مدرسه بردم. یکی دو ساعت بعد مسئولان مدرسه با من تماس گرفتند و خبر دادند که حال دخترم به هم خورده و او را به بیمارستان لقمان برده‌اند.
سریع خودم را به بیمارستان رساندم اما به من گفتند زهرا در اثر مسمومیت شدیدی فوت کرده است.
دکترها علت مرگ او را مصرف قرص برنج اعلام کردند و من مطمئن هستم که دو همکلاسی قرص‌ها را به دخترم داده‌اند.

بعد از پایان جلسه بازجویی بازپرس حسینی گفت : در تحقیقاتی که ماموران کلانتری ۱۳۰ نازی‌آباد در این باره انجام دادند رد پای زنی ناشناس کشف شد که با دختران جوان طرح دوستی ریخته بود و حتی گاهی با منزل آنها تماس می‌گرفت.
در این خصوص پلیس در تلاش است تا زن ناشناس را شناسایی و دستگیر کند تا متوجه شود علت رابطه او با دختران دانش‌آموز چه بوده است.
اکنون بازپرس دادسرای جنایی و ماموران پلیس سرگرم تحقیق هستند تا بداندن این نوع قرص‌های کشنده چگونه توسط چه کسانی بین جوانان پخش شده است.
از سوی دیگر معاون سلامت وزارت بهداشت اعلام کرده است : در چند روز اخیر حداقل ۷ نفر که با مصرف قرص برنج مسموم شده بودند در بیمارستان لقمان‌الدوله بستری شدند که از این عده سه نفر جان سپردند و دو نفر هم در حالت کما به سر می‌برند.

مزارح دختران دانشجو به جرم قتل در آستانه اعدام

در محل متوجه شدند نوه پیرمرد در حال فرار از بام خانه‌ها است.
ماموران چند بار به وی اخطار دادند ولی حاضر به تسلیم نشد تا اینکه با تیراندازی موفق به دستگیری او شدند.

یاسر بعد از دستگیری به ارتکاب قتل در بهمین ماه اعتراف کرد و گفت : روز حادثه برای دو دختر دانشجو ایجاد مزاحمت کرده بودم که شیرالله (مقتول) به این کار من اعتراض کرد. من هم از دست او عصبانی شدم و با چند ضربه چاقو مجروحش کردم و پا به فرار گذاشتم.
با اعترافات یاسر پرونده‌اش برای محاکمه به شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و متهم پس از محاکمه به قصاص محکوم شد و قضات شعبه ۲۶ دیوان عالی کشور نیز این حکم را تأیید کردند.
با اعتراض متهم به حکم پرونده به شعبه ۱۵ تشخیص دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات این شعبه نیز پس از بررسی پرونده حکم را تأیید کردند و قاضی است مجازات قصاص درباره قاتل اجرا شود.

آخرین عامل گروگانگیری ۴۳روزه یک کودک دستگیر شد

علیرضا که نقش اصلی را در ربودن و نگهداری از کودک داشت در روز هفدهم اردیبهشت‌ماه با محاصره مخفیگاهش در شهرک بعثت دستگیر شد.
وی در مدتی که پسرپچه را در اسارت خود داشت به اذیت و آزار شدید این کودک می‌پرداخت، به طوری که او را مجروح ساخته و وی را دچار ناراحتی شدید جسمی و روانی کرده بود.
او حتی به خاطر اینکه پدر امیرحسین حاضر به پرداخت باج نشده بود، تصمیم گرفته بود این کودک را به قتل برساند.
کارآگاهان جنایی پس از دستگیری عامل اصلی گروگانگیری و نجات کودک ربوده شده، نتوانستند دو جوانی را که در این ماجرا همکاری داشته‌اند، به‌دام بیندازند که سرانجام آخرین متهم نیز توسط پلیس دستگیر شد.

محاکمه دوباره قاضی دادگستری رودسر به خاطر شلیک مرگبار

شرق، الهه فراهانی : پرونده قاضی دادگستری رودسر که متهم است پسر جوانی را با شلیک گلوله از پای درآورده به تشخیص دیوان عالی کشور به دادگاه کیفری استان تهران بازگردانده شد تا بار دیگر محاکمه شود.
اولین محاکمه این قاضی ۳۶ساله، سال پیش در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری تهران انجام شده بود. حادثه قتل روز چهاردهم فروردین‌ماه سال گذشته در تنکابن اتفاق افتاد که طی آن جوان ۲۵ساله‌ای با اصابت گلوله‌ای از سلاح کمری قاضی دادگستری شهرستان رودسر به قتل رسید.

این قاضی در مراحل بازجویی گفت : آن روز همراه خانواده‌ام با اتومبیل به قائم‌شهر می‌رفتم. در تنکابن وارد پمپ بنزین شدم و هنگام خروج از جایگاه سه پسر جوان با یک اتومبیل راه را بستند و به متلک گویی و مزاحمت به دختری پرداختند. از آنها خواستم راه را باز کنند اما بوی اعتنا به بوق زدن‌ها را نمی‌شنیدم. وقتی اعتراض‌های من ادامه پیدا کرد، پسر جوانی با عصبانیت پیاده شد و به طرفم هجوم آورد. من هم برای دفاع گاز اشک‌آور به صورتش پاشیدم و به سرعت پمپ بنزین را ترک کردم.
دقایقی بعد که پشت چراغ قرمز چهارراه توقف کرده بودم همان پسر مهاجم با اتومبیلش از راه رسید و با چاقویی در دست به طرف ما آمد، شیشه‌ها را بالا کشیدم و درهای اتومبیل را قفل کردم اما جوان مهاجم

ایسنا: وکیل مدافع کبری رحمانپور گفت : در فروردین ۸۵ بنا به تعقیب اولیای دم، پرونده کبری به اجرای احکام فرستاده شد اما خوشبختانه باز هم قوه قضائیه بنا به دلایل مختلف این تمایل را دارد که حکم اجرا نشود و دفتر نظارت مردمی ریاست قوه قضائیه پرونده را خواسته است یعنی اجازه اجرای حکم را به صورت غیروستقیم به اجرای احکام ندهادند و پرونده فعلاً در آنجاست و کبری باز هم یک قدم از مرگ فاصله گرفته است.

به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) عبدالصمد خرمشاهی در نشست «جامعه، جرم و مجازات بررسی پرونده کبری رحمانپور» با ارائه توضیح و کلی از سیر قانونی پرونده گفت : در آبان ۱۳۷۹ قتل‌ی اتفاق افتاد که بازتاب بسیار گسترده‌ای در جامعه داشت. یک پرونده نادر بود که جامعه نگاه ویژه‌ای به متهم به قتل داشت. وی در مورد زندگی کبری توضیح داد : او متولد ۱۳۵۹ است و در سن ۱۸ سالگی به خاطر فقر شدید مالی تن به یک ازدواج نامتعارف می‌دهد و آنچنان که در پرونده منعکس است کبری به عنوان امانت به خانواده‌ای سپرده می‌شود که اگر خواستگار ایشان را انتخاب کرد و پذیرفت، او را عقد کند. پس از چند ماه بدون اینکه عقد رسمی صورت بگیرد این خانم را با مبلغ اندکی که همسر ایشان می‌آورد و در خیابان با ۲۰ هزار تومان رها می‌کند.

وی افزود : آن‌تجا که کبری می‌خواست با این ازدواج از بار مالی خانواده کم کند به‌رغم میل باطنی خود شدیداً ناراحت می‌شود و تنها سرمایه خود را نیز ازدست‌رفته می‌بیند. ابتدا قصد خودکشی داشته که پشیمان می‌شود و به دلیل آسیب‌های روحی شدید در خانواده مرد، فکر می‌کند این مسائل را تحمل کند و دوباره برگردد و سختی‌ها را بپذیرد.

خرمشاهی اضافه کرد : وقتی شرح مصایب کبری در دادگاه مطرح شد به‌رغم اینکه قاضی رای قصاص صادر کرد اما به شدت گریست. کبری به‌رغم میل باطنی‌اش برمی‌گردد اما آنها او را قبول نمی‌کنند و نهایتاً منجر به قتل پرونده‌های کفیری در ایران است، عنوان کرد : در سال ۸۲ پرونده طلعیت یافت و حتی در دی‌ماه استیذان به عمل آمد و شرایط برای اجرای قصاص فراهم شد و همه چیز آماده بود اما به دلایلی که هرگز برای ما روشن نشد آن شب حکم اجرا نشد و بلافاصله پس از این اتفاق رئیس قوه دستور دادند که بهتر است قبل از هر اقدامی، پرونده عبدی را برای اختلاف رسیدگی شود و از سال ۱۳۸۲ پرونده به شورا که تاکنون به دعای کم‌اهمیت رسیدگی می‌کرد ارجاع شد و در این مدت سه بار تجدید جلسه شد تا اینکه در فروردین ۸۵ به اجرای احکام فرستاده شد.

خرمشاهی با بیان اینکه آن سوی تشکیلات و اقتدار مختلف مردم حمایت‌های زیادی از کبری شده است به یک نمونه آن که نامه‌ای از سوی ایرانیان مقیم اتریش برای رئیس قوه قضائیه بود اشاره کرد و در ادامه جلسه بخش‌هایی از آن را قرائت کرد.
همچنین در ابتدای این نشست، سعید مدنی که مدیریت جلسه را برعهده داشت با اشاره به جمله «کانت» که «اگر عدالتی نباشد زندگی به زحمتش نمی‌ارزد» گفت : تلاش داریم با بازخوانی پرونده کبری رحمانپور به چند پرسش مهم پاسخ دهیم. ۱- نظم و ترتیب لازم و ملزوم یکدیگرند. آیا در پرونده کبری و حکم صادره مبنی بر اعدام وی علاوه بر اجرای قانون، عدالت هم در نظر گرفته شده است؟

وی در خصوص ستوال دوم و سوم افزود : با توجه به اینکه در دو سوی پرونده دو زن قرار دارند و قاتل و مقتول دو زن هستند، زنان قربانیان استعمار مضاعف هستند. آیا بدون توجه به شرایط دشوار زنان یا زندگی پرخطر دختران برای کبری و دیگر زنان قربانی می‌توان حکم به مجازات یعنی اعدام صادر کرد؟ و ستوال سوم این است که چرا اعدام عمومی و بسیاری از ایرانیان در داخل و خارج هرگز نتوانستند تأیید مجدد حکم اعدام را هضم کنند.
افکار عمومی اجرای این حکم را ظلم مضاعف به جامعه زنان و کبری رحمانپور می‌داند.
پس راه ایرانیان موجب می‌شود خرمشالی نتواند این کبری به‌رغم میل باطنی به عدالت هموار کند. چرا هیات منصفه به نمایندگی از افکار عمومی نباید در فرآیند اعمال عدالت کفیری در این پرونده و موارد مشابه راهنما و هدایت‌کننده قاضی به سوی عدالت باشد؟
سعید مدنی ادامه داد : گفته‌اند حقوق عبارت از قواعد الزام‌آوری است که برای ایجاد نظم و عدالت وضع می‌شود و ضمانت اجرای دولتی دارد. اگر حکمی علاوه بر اجرای قانون و ایجاد نظم، عادلانه نباشد حقوق نیست. جامعه نیز باید وقتی در برابر قانون سر فرود می‌آورد که عادلانه باشد.
این حقوق مطابق با عدالت نباشد الزامی ایجاد نمی‌کند چون جامعه در برابر عدالت زانو می‌زند نه قدرت.
امیدواریم دستگاه قضایی متوجه ابعاد ناپذیر این پرونده شود.

عباس عبیدی: حکم خلاف عدالت دستگاه قضایی را زیر ستوال می‌برد

عباس عبیدی گفت : در پرونده کبری رحمانپور حتی اگر طبق قانون درست حکم صادر شده باشد اما شرط عدالت کفیری این است که در تمامی موارد چنین حکم صادر شود.
به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) عباس عبیدی جامعه‌شناس در نشست «جامعه، جرم و مجازات» گفت : اگر عدالت را محاسبه اجرای قصاص کامل و بی‌طرفانه قانون بدانیم در این صورت عدالت وقتی نقض می‌شود که قانون به این صورت اجرا نشود اما اگر عدالت را به معنای انصاف و حق بدانیم پرسشی مطرح می‌شود که قانون تا چه حد منصفانه است؟
عباس عبیدی گفت : کبری که جامعه را متوجه وجود چند شرط دانست و گفت : اول اینکه قانون موضوع بحث، منصفانه باشد دوم تطبیق یک فعل به موضوع ماده قانونی به صورت صحیح انجام شود و در نهایت چنین تطبیقی برای همه موارد مشمول ماده قانونی کم‌وبیش بی‌طرفانه و کامل اجرا شود.
عبدی با بیان اینکه جرائم به طور کلی از حیث عمومی یا خصوصی بودن در قانون جزایی ایران سه قسم هستند توضیح داد : یک قسم جرائم خصوصی که با شاکی خصوصی شروع می‌شود و با رضایت شاکی موقوف می‌شود بعضی جرائم با شکایت شاکی شروع می‌شود اما با رضایت او موقوف نمی‌شود سپس قاضی از وجه عمومی قضیه رسیدگی می‌کند و برخی نیاز به شکایت ندارد دستگاه قضایی رسماً به آنها رسیدگی می‌کند.

وی با اشاره به قانون سال ۶۱ گفت : قتل در قانون ما ۴

خرمشاهی:

کبری باز هم یک قدم از مرگ فاصله گرفته است

نوع عمد، شبه عمد، خطایی و دفاع مشروع است. بحث اصلی من روی قتل عمد و شبه عمد است یعنی فرد یا در ارتکاب قتل قصد داشته که قصاص می‌شود یا عمد نبوده که باید دیه دهد پس به عبارتی تمام حالت‌های قتل بین دو نقطه ۰ و ۱ قرار می‌گیرد.

وی با اشاره به تقسیم‌بندی دیگری اظهار داشت : قصاص، دیات، مجازات و حدود تقسیم‌بندی دیگری است که از لحاظ جامعه‌شناسی قصاص و دیات مجازات محسوب نمی‌شوند. به معنای جامعه‌شناسی اساساً قتل در ایران جرم محسوب نمی‌شود چون قصاص و دیات مجازات محسوب نمی‌شوند اما حدود مجازات است.

وی افزود : مجازات در تعریف جامعه‌شناسی یکی از اهدافی است که با برای رضایت خاطر جمع است یا برای همبستگی یعنی همه اهداف برای مجازات اجتماعی است نه فردی. در حالی که قصاص کاملاً هدف فردی دارد. عبیدی علت اصلی این مسئله را این دانست که جرم قتل در گذشته کاملاً جزء حوزه خصوصی بوده و در گذشته قتل معنای اجتماعی نداشته پس اساساً امروزه جامعه نسبت به قتل حساس است و در گذشته چنین حساسیتی نداشته است. پس باید جرائم اجتماعی باشد یعنی مجازات‌های جزء حقوق جامعه باشد نه صرفاً حقوق شخصی. این جامعه‌شناس عنوان کرد : در قانون مجازات اسلامی در سال ۶۱ قتل کلاً جنبه شخصی دارد اما در سال ۷۰ تبصره خودره‌است که اگر خانواده مقتول رضایت دادند دادگاه دیگر نمی‌تواند قاتل را قصاص کند بلکه می‌تواند از سه تا ده سال حبس به او بدهد و در تمام مواد قانونی مربوط به قتل که کاملاً جنبه خصوصی دارد جنبه عمومی می‌آه داده نمی‌شود. عبیدی افزود : اگر اگر طبق قانون درست حکم داده شده باشد اما شرط عدالت کفیری این است که در تمامی موارد چنین حکمی اتفاق بیفتد در حالی که قضیه متروی کرج را حکم شبه‌عمد می‌دهند یا قتل‌های محفلی کرمان. از دید ناظر خارجی حتی اگر حکم صادره با قانون منصفانه باشد دقیق هم باشد موضوع عدالت کفیری قابل تامل است ضمن اینکه عدالت کفیری یک کل تجزیه‌ناپذیر است یعنی دستگاه قضایی اگر حکمی خلاف عدالت کفیری صادر کند کلیت عملکرد آن زیر ستوال می‌رود. وی در پایان با اشاره به مواد ۲۰۵ و ۲۶۵ قانون مجازات‌های عادی که رئیس قوه قضائیه جلوی حکم قصاص را بگیرد اگر چه قصاص یک امر شخصی است اما باید با استیذان از حکومت باشد و این استیذان را حتی در اصلاح قانون قصاص هم می‌توان استفاده کرد.

عبیدی ابراز عقیده کرد : قانونی که هم بیجه و هم کبری رحمانپور با استناد به آن اعدام شوند عادلانه نیست و بخش قابل توجهی از عدالت را ناپدید می‌گیرد.

رئیس‌دانا: افکار عمومی «کبری» را

قربانی می‌داند

رئیس دانا با توصیف شرایط زندگی و وضعیت روانی کبری رحمانپور گفت : قربانی این پرونده فقط مقتول نیست بلکه قربانی اصلی کبری است و ستوال مهم این است که قاتل واقعی کیست؟
به گزارش خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دکتر فریبرز رئیس‌دانا در نشست «جامعه، جرم و مجازات» با اشاره به این که طبق تحقیق از زنان بقت زندان اوین ۸۰ درصد قتل‌های صورت گرفته توسط زنان به خاطر ترس از شوهر، تحقیرشدگی مکرر و آزار جنسی بوده است، گفت : بررسی‌های حقوقی جرم شناختی و روان‌شناختی نشان داده‌اند شرایط روحی زنان را قبل از ارتکاب قتل در طبقه‌بندی خاص قرار می‌دهد.
وی ادامه داد : وقتی پای فقر مزمن و زندگی طولانی مدت در زیر فقر مطلق به میان می‌آید به ویژه وقتی این فقر بر بستر تعارض‌های اجتماعی و اختلافات طبقاتی شدید که جلوه‌هایی از فساد و ناپهنجاری‌های اجتماعی هستند قرار بگیرد آن وقت عامل ترس و تحقیرشدگی چند برابر می‌شود و این شرایط را برای رسیدن به شرایط جنون آتی تشدید می‌کند.

وی با اشاره به اینکه بیکاری یکی از عواملی است که موجب می‌شود خرمشالی نتواند این کبری به‌رغم میل باطنی به راه‌های نامتناسب کشیده شوند گفت : الان جمعیت قابل توجهی در کشور بیکار هستند و سال‌ها است که بیکاری مقله‌ای زنانه و جوانانه شده است. شمنار زنان سرپرست خانوار نیز قابل تامل است و توجه است و این تعداد متأسفانه امنیت شغلی و اجتماعی کاملی نیز ندارند.
عبیض از حق حقوق دریاقتی زنان بالا است. یک گمان‌ناورست این است که زنان خانه‌دار هستند اما زنان اول یکبارند و ناگزیرخانه‌دار می‌شوند.
بیکاری و تبعیض و فقر درمیان زنان با لااست. رئیس‌دانا با ادامه گفت : فقیر موجب فرارو رنجش ارزش‌های اخلاقی و حذف خودمهاری و خود خودمهاری می‌شود به خصوص فقر و محرومیت مطلق. پس تدریجاً زمینه برای حذف مکانیسم خودمهاری فراهم می‌آید و ارزش‌های اخلاقی ناگزیر فرو می‌ریزد. این در مکاتب فلسفی و در شریعت اسلام نیز آمده است.

وی ادامه داد : کبری رحمانپور فرشتاننده‌ترین راه یعنی کار در یک خانه را انتخاب می‌کند و به بر فروشی پنهان رو نمی‌آورد اما او این مسئله طعمه می‌شود و مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرد سپس دوره آزار و تحقیر مورد شروع می‌شود از خانه بیرون می‌شود. کبری زیر فشار خرد می‌شود قبلاً نیز تحت فشار بوده در خانه پدری که تجسم فقر است جایی ندارد و نمی‌تواند برگردد.

رئیس‌دانا با طرح این سوال که چه راهی برای او باقی می‌ماند، اظهار داشت : اعتقاد مذهبی‌اش به او اجازه نمی‌دهد به گونه که در آن مورد آزار قرار گرفته برگردد و اجازه ورود می‌گیرد التماس می‌کند که او را بپذیرند و افسوس از رفتار خشن و بی‌رحمونه‌های متقابل. اینجاست که جنون آتی شکل می‌گیرد لذا است که معتقدم قربانی فقط مقتول نیست قربانی اصلی کبری است اما قاتل واقعی کیست؟
وی در پایان به بیان مطالبی خطاب به قوه قضائیه در چارچوب موازین و چارچوب جامعه‌شناختی در حوزه قضیه نگاه‌اشود.
در نهایت وقتی افکار عمومی مردم شریف و آزاده ایران بهترین داور است و این داور کبری رحمانپور را قربانی می‌داند. انتظار این است که دستگاه قضایی به این نقطه نظرات توجه کند و حکم لغو کبری را صادر کند.

پنج شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵

مردمک

۲۲۰۵۳۳۷۲

تخریب کانال برای تعریض جاده

وزارت راه و ترابری برای تعریض جاده بابلسر ، اقدام به تخریب کانالی کرده که قدمت چندین ساله دارد و معروف به سنگ‌پل است.
این کانال تمامی آب‌های سطحی روستای مرغی‌کلاه و گاسگرمحله و میربازار بالا را به رودخانه بابل رود هدایت و تخلیه می‌کرد که تخریب کانال هدایت این آب‌ها معلوم نیست به چه صورت خواهد بود.
ستوالی که از وزیر محترم راه و ترابری دارم این است که آیا برای تعریض جاده قبلاً نباید پیش‌بینی‌های لازم را صورت می‌دادند، مطمئن باشید با اولین باران پاییزی سیل تمامی مناطق یاد شده را خواهد گرفت.
در این خصوص اهالی شکایتی را تنظیم و به بخشداری کله‌بست داده‌اند که تقاضای رسیدگی فوری به آن را دارند.

جابه‌جایی رتبه در دانشگاه

دخترم دانشجوی دکتری داندن‌پزشکی و دکتری تغذیه است، چون جزء دو نفر اول در ایران بود و توانست همزمان در دو رشته تحصیل کند.
در امتحانات تخصصی نیز از نظر علمی شاگرد دوم شد و می‌تواند در دانشگاه شهید بهشتی برای ادامه تحصیلات ثبت‌نام کند، چند وقت پیش کفر را که در رتبه سی ودم بود جزء رتبه دوم قرار دادند و چون هنوز امکان تحصیل برای دخترم در دانشگاه مهیا بود گفتیم، اشکالی ندارد ولی روز گذشته یک نفر را از مناطق محروم به رتبه‌های بالا ارتقا داده‌اند، به به‌جای دختر من ایشان در دانشگاه ثبت‌نام کنند.
(با اینکه رتبه ایشان از رتبه دخترم بسیار پایین تر بود) و دخترم امکان تحصیل در دانشگاه را از دست داده است.
از طرف دیگر خود دانشگاه شهید بهشتی به هیچ‌وجه مایل نیست جنود دانشجوی نخبه‌ای را از دست بدهد.
خواستم این مسئله را منعکس کند مسئولان این دانشگاه و وزارت بهداشت پاسخ دهند که آیا این کار نوعی حق‌کشی نیست و باعث دل‌سرد شدن جوانان و خانواده‌هایشان و همچنین فرار مغزها نخواهد شد.

نکاتی در مورد نمایشگاه

از اینکه صفحاتی را به معرفی نمایشگاه کتاب اختصاص داده‌اید سپاسگزارم ولی آیا بهتر نبود همان روزهای اول شروع نمایشگاه به طور یکجا به معرفی کتاب‌های خوب موجود در نمایشگاه می‌پرداختید تا مثلاً من مجبور نباشم در دوایر رفتن به نمایشگاه برای بار سوم نیز به دلیل معرفی کتاب‌های خوب در این صفحات به نمایشگاه بروم.
مسئله بعدی اینکه این همه نویسید که مردم برای تفریح و سرگرمی و یا خرید کتاب برای دکور منزلشان به نمایشگاه می‌روند یا چیزهای منفی دیگر.
به نظر من همین‌که نمایشگاه برگزار می‌شود و فرزند من و شما با کتاب و آثار فرهنگی دیگر در این نمایشگاه آشنا می‌شود تاثیر زیادی در فرهنگ کتابخوانی جامعه و مردم خواهد داشت.

قطع برق در اهواز

چندی پیش مقامی در وزارت نیرو اعلام کرد که در سال جدید خاموشی نخواهیم داشت در حالی که حدود یک ماه است که برق در منطقه سپیدار اهواز یک روز در میان قطع است.
آیا با گرمای شدیدی که در اهواز وجود دارد این کار درست و منطقی است.

ارائه طرح برای استفاده از اعتبار بانکی
خواستم پیروم با توجه به اینکه شرایط شرکت‌های تعاونی برای دادن اعتبار روزه‌به‌روز با آئین‌نامه‌هایی که از طرف وزارت تعاون ابلاغ می‌شود محدودتر و سخت‌تر می‌شود فارغ‌التحصیلاتی که دارای طرح‌های اقتصادی هستند و توجه اقتصادی‌اش نیز به طابع رسیده این طرح‌ها را به کجا ارائه دهند تا بتوانند از اعتبارات بانکی آن استفاده کنند.

ایجاد فرهنگ زیاسازی شهر

یکی از وظایف شهرداری پاکیزه نگه‌داشتن و همچنین زیباسازی شهر است که انجام این اقدامات در شهرهای بزرگی چون تهران به کمک مردم نیاز دارد و شهرداری با سازمان زیاسازی می‌تواند این فرهنگ را از طریق رسانه‌های ملی مثل مطبوعات، رادیو و . . . در بین مردمی جا بیندازد که به زیبایی محیط و آپارتمان‌ها اهمیت دهند.
مثلاً هر مجتمع یا آپارتمانی موظف باشد فضای بیرون آپارتمان (جلوی درب خانه‌ها) را تمیز و پاکیزه نگه دارد، درختان یا فضای سبز جلوی خانه را ایجاد و یا محفاظت کند، یا اینکه نگهبانانی را می‌بینیم در پشت‌با‌ها و یا جاهایی که در معرض دید هستند، فیدر هر شهروندی را موظف کرد (البته نه با اجبار بلکه با فرهنگ سازی) که گزیره‌ای مستعمل و رنگ‌ورو رفته را رنگ بزند که البته هزینه چندان‌ی نخواهد داشت.
این امر چهره زیبایی به شهر تهران خواهد داد که برای هر ناظر بیرونی بسیار خوشایند و جالب خواهد بود.

نهاد نوح به مقام کارگر

دیروز چیزی را که با بن کارگری اعلام شد بود گرفتم منتها بسیار بدمنه، کپک‌ه‌زه و کهنه بود.
خواستم بگویم این بن، پولی است که از حقوق کارگر و کارفرما کم می‌شود و به حساب تأمین اجتماعی ریخته می‌شود، بهتر است اجناسی را اعلام و به کارگران بدهند که سالم و تازه باشد تا کارگران مجبور نباشند بعداً دو برابر آن خرج دو و دکترشان کنند.
این امر به نوعی بهاد دادن به آنان و مقام کارگران نیز می‌باشد.